



درس ششم چگونگی تکوین فرهنگ معاصر غرب

دو شیوه بررسی فرهنگ ها با استفاده از مثال ساختمان

1 گاهی یک ساختمان تکمیل شده و آماده سکونت را بدون توجه به زمان و مکان بیدایش آن بررسی می‌کنیم و اطلاعاتی از آن به دست می‌آوریم؛ مثلاً از زیربنا، ارتفاع، تعداد طبقات، امکانات، زیبایی، شکل، رنگ و ... آگاه می‌شویم. حتی می‌توانیم ویژگی‌هایی مانند میزان استحکام و میزان مقاومت در برابر زلزله را که قابل مشاهده نیستند، بررسی کنیم.

2 ولی گاهی روند احداث ساختمان را مورد بررسی قرار می‌دهیم و از چگونگی ساخته شدن آن سؤال می‌کنیم. در این حالت گویا با سازندگان ساختمان همراه می‌شویم و در جریان جزئیات فرایند ساخت آن قرار می‌گیریم؛ برای مثال، مهندسان، معماران و کارگرانی را که در ساختن آن شریک بوده‌اند می‌شناسیم و می‌فهمیم چه مصالحی و با چه کیفیت و ارزشی در این ساختمان به کار رفته است، آیا ساختمان از اول نقشه مشخصی داشته و اگر نقشه‌ای داشته آیا به صورت دقیق اجرا شده است یا در مواردی آن را تغییر داده‌اند. حتی می‌توانیم بدانیم مکانی که ساختمان فعلی به جای آن بنا شده، چگونه بوده و چه محدودیت‌ها و فرصت‌هایی برای ساخته شدن بنای جدید ایجاد کرده است.

فرهنگ و جهان فرهنگی را نیز می‌توان از همین منظرها مورد مطالعه قرار داد. در درس گذشته، فرهنگ معاصر غرب را بررسی کردیم و از باورها و ارزش‌های بنیادین آن سخن گفتیم، اما اینکه چگونه فرهنگی با این ویژگی‌ها در تاریخ و جغرافیای خاصی شکل گرفته، موضوع مهم دیگری است که در این درس آن را بررسی می‌کنیم. فرهنگ معاصر غرب چه پیشینه‌ای دارد، چه مراحل و دوره‌هایی را سپری کرده است؟ چه افراد، گروه‌ها، سازمان‌ها و نهادهایی در شکل‌گیری آن دخیل بوده‌اند؟

رنسانس و زمینه‌های تاریخی آن

فرهنگ معاصر غرب در گذشته تاریخی آن ریشه دارد. دوره‌های تاریخی فرهنگ غرب کدام‌اند و جهان غرب چگونه از آن دوره‌ها عبور کرده است؟

تاریخ فرهنگ غرب به چند دوره تقسیم می‌شود؟
تاریخ فرهنگ غرب به چهار دوره تقسیم می‌شود:

یونان و روم باستان، قرون وسطی، رنسانس و غرب جدید. **رنسانس به چه معناست؟ و چه زمانی اتفاق افتاد؟**
رنسانس به معنای «تجدید حیات» و «تولد دوباره» است و از قرن چهاردهم تا شانزدهم میلادی را شامل می‌شود. **دلیل نامگذاری رنسانس چه بود؟**
یونان و روم بازگشت. فرهنگ یونان و روم باستان، فرهنگ اساطیری بود اما فرهنگ قرون وسطی، فرهنگ دینی مسیحیت است.

در فرهنگ اساطیری یونان و روم، خداوندگاران متکثر پرستیده می‌شدند اما فرهنگ مسیحیت با دعوت به توحید شکل گرفت. **تفاوت فرهنگ یونان و روم باستان و فرهنگ قرون وسطی چیست؟**



چند تن از خداوندگاران یونان و روم باستان: زئوس، ژوپیتر، نپتون، هرمس

عملکرد آباء کلیسا در قرون وسطی چگونه بود؟
(طی قرون وسطی، آباء کلیسا از شعارها و مفاهیم معنوی و توحیدی استفاده می‌کردند اما رویکرد دنیوی داشتند و دنیاگرایی و سکولاریسم در عمل را دنبال می‌کردند. آنها به نام خداوند، بندگان خدا را به بندگی می‌گرفتند و همچنین به بهانه ایمان و وحی، عقل را از اعتبار می‌انداختند.)
کدام عوامل زمینه‌های فرو ریختن اقتدار کلیسا را فراهم کرد؟
جنگ‌های صلیبی، مواجهه اروپاییان با مسلمانان و بالاخره فتح قسطنطنیه، زمینه‌های فرو ریختن اقتدار کلیسا را فراهم کرد. **فرو ریختن اقتدار کلیسا چه پیامدی داشت؟**
قدرت‌های محلی به عنوان رقیبان دنیا طلب کلیسا، فرصت بروز و ظهور پیدا کنند. این رقیبان چرا پادشاهان و قدرت‌های محلی، به عنوان رقیبان دنیا طلب کلیسا، دخالت دین در امور معنوی را انکار کردند؟
به دلیل رویکرد دنیوی خود و برای حذف کلیسا، به جای انتقاد به عملکرد آباء کلیسا به تدریج

دخالت دین را در امور دنیوی انکار کردند.
در دوران رنسانس رویکرد دنیوی به عالم در کدام حوزه‌ها گسترش یافت؟
در دوران رنسانس رویکرد دنیوی به عالم، در سطح هنر، اقتصاد، سیاست و همچنین در قالب حرکت‌های اعتراض آمیز مذهبی آشکار شد.

۱- به متکلمان برجسته مسیحی، آباء کلیسا (پدران کلیسا) گفته می‌شد. اندیشه‌های آنان نقش مهمی در آموزه‌های مسیحیت داشته است. آنها تفاسیری بر کتاب مقدس می‌نوشتند، امور مربوط به ایمان و شرایط آن را شرح می‌دادند و تعلیم مسیحی را انتقال می‌دادند.



این مجسمه در سال 1504 میلادی ساخته شده است یعنی اوایل قرن شانزدهم

مجسمه داوود اثر میکل آنژ؛ بازگشت به هنر یونان باستان

- هنرمندان دوران رنسانس با بازگشت به هنر یونان، به ابعاد جسمانی و دنیوی انسان اهمیت دادند.
- با رشد تجارت، کشف آمریکا و بالا گرفتن تب طلا، زمینه های عبور از اقتصاد کشاورزی ارباب - رعیتی فراهم آمد.
- شاهزادگان اروپایی به رقابت با قدرت کلیسا پرداختند و در این جهت از حرکت های اعتراض آمیز کشیشانی حمایت کردند که با قدرت پاپ مخالف بودند.

رنسانس چه تاثیری بر حوزه مذهب گذاشت؟

- حرکت های اعتراض آمیز مذهبی (پروتستانتیسم) در جهت اصلاح دینی پدید آمدند. بخشی از این حرکت ها، فقط با قدرت پاپ مخالفت داشتند و با جریان دنیاگرا تقابل نداشتند. بخشی دیگر رویکرد معنوی داشتند و در تقابل با جریان دنیاگرا قرار گرفتند.
- حرکت های نوع اول با حمایت قدرت های محلی توانستند بخشی از اروپای مسیحی را از تسلط کلیسا خارج سازند؛ ولی حرکت های نوع دوم، مورد هجوم کاتولیک ها و دیگر پروتستان ها قرار گرفتند و امکان گسترش پیدا نکردند.

حرکت های اعتراض آمیز مذهبی در عصر رنسانس (نوع اول و دوم) چه سرنوشتی یافتند؟

بخوانیم و بدانیم

آناپتیست ها گروهی از پروتستان ها بودند که با جریان های دنیاگرایانه ای که از دوران رنسانس پدید آمده بود به مخالفت برخاستند. این گروه با تحولات اجتماعی بعدی جهان غرب همراهی نکردند. بخشی از آنها که امروز با عنوان آمیش ها شناخته می شوند از قرن شانزدهم تا امروز، شیوه زندگی خود را تغییر نداده اند. تاریخ اروپا شاهد کشتار آناپتیست ها توسط مسیحیان کاتولیک و دیگر پروتستان ها بوده است و امروزه تنها گروه های محدودی از آنها باقی مانده اند.



شکنجه و قتل آناپتیست ها



آمیش ها

مواجهه کلیسا با مسلمانان در طول جنگ‌های صلیبی و فتح قسطنطنیه، چگونه زمینه‌های فرو ریختن اقتدار کلیسا را فراهم ساخت؟

رابطه فلسفه روشنگری و فرهنگ جدید غرب



دکارت، روسو، دیدرو

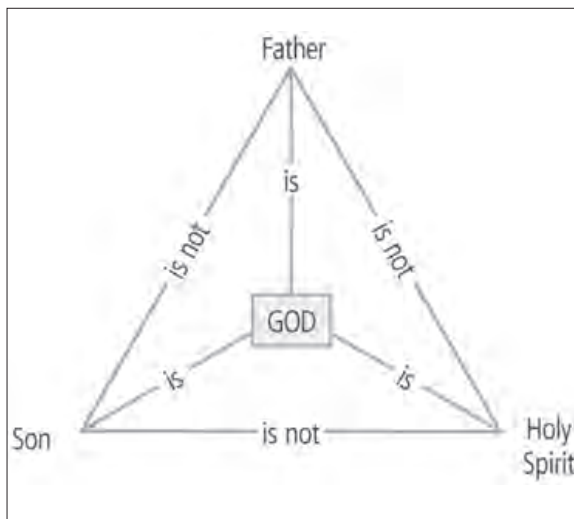
قبلاً با معنای عام و خاص روشنگری آشنا شده و آموخته‌اید که روشنگری در معنای خاص نوعی معرفت‌شناسی است که با سکولاریسم و اومانیسم همراه می‌شود. این منظومه، فلسفه روشنگری را می‌سازد. فلسفه روشنگری چگونه در تاریخ فرهنگ غرب گسترش پیدا کرد؟ فیلسوفان روشنگری چه نقشی در شکل‌گیری فرهنگ جدید غرب ایفا کرده‌اند؟

در فرهنگ اساطیری یونان و روم باستان با غفلت از نگاه توحیدی به عالم، خداوندگاران متکثر پرستیده می‌شدند. مسیحیت به‌عنوان یک دین توحیدی در جهت مقابله با آن موفقیت‌هایی را به‌دست آورده بود؛ ولی تحریفاتی که در مسیحیت قرون وسطی رخ داد دو پیامد زیر را به دنبال

داشت: **تحریفاتی که در مسیحیت قرون وسطی رخ داد، دو پیامد داشت، آنها را توضیح دهید**

1 • **در سطح اندیشه و نظر، مسیحیت آمیخته با رویکردهای اساطیری شد و با قبول تثلیث از ابعاد عقلانی توحید دور ماند.**

2 • **در سطح زندگی و عمل، مسیحیان و آباء کلیسا در تعامل با فرهنگ امپراتوری روم، به سوی نوعی دنیاگرایی گام برداشتند. کلیسا در این مقطع، عملکرد دنیوی خود را در پوشش معنوی و دینی توجیه می‌کرد.**



■ بنا بر تثلیث، خداوند، عیسی علیه السلام و روح القدس با آنکه سه شخص اند، یک ذات واحدند.

آریوس، روحانی اهل اسکندریه، بر این باور بود که عیسی علیه السلام مخلوقی است که خداوند به واسطه او جهان را آفریده است. باور او، مخالفان و موافقانی داشت. کنستانتین، امپراتور روم، در سال ۳۲۵م، برای بررسی باور او، دستور داد شورای نیکیه (نخستین شورای کلیسای جهانی) تشکیل شود. این شورا، آریوس را محکوم کرد و با نفی مخلوق بودن عیسی علیه السلام، او را خدای حقیقی از خدای حقیقی و هم ذات با خدا اعلام کرد و به لعن کسانی پرداخت که این باور را نداشتند.

باور به خدا بودن عیسی علیه السلام برای کنستانتین و کسانی که در عالم اساطیری قبل از مسیحیت به پرستش خداوندگاران محسوس عادت داشتند، مناسب تر بود.

بعدها ماسدنیوس، اسقف قسطنطنیه، الوهیت روح القدس را نپذیرفت. شورای دیگری در سال ۳۸۱م عقیده او را محکوم و در دومین شورای کلیسای جهانی اعلام شد، کلیسای کاتولیک همچنان طرفدار تثلیث است. بنا بر تثلیث، خداوند، عیسی علیه السلام و روح القدس با آنکه سه شخص اند، یک ذات واحدند. این عقیده که یک ذات واحد، سه شخص باشد، باوری نبود که عقل آن را بپذیرد. این مسئله، کلیسا را به تقابل عقل و ایمان سوق داد.

در دوره رنسانس، فرهنگ غرب با چه هدفی به فرهنگ یونان و روم باستان بازگشت؟

در دوره رنسانس فرهنگ غرب برای بسط و گسترش ابعاد دنیوی خود، به سوی حذف پوشش

دینی گام برداشت و به تفسیر غیر توحیدی فرهنگ یونان و روم باستان بازگشت.

نقش فلسفه های روشنگری در فرهنگ غرب چیست؟ فرهنگ جدید عرب با پیدایش فلسفه های روشنگری آغاز می شود. رویکرد سکولار که پیش از

آن، از طریق هنر و تفاسیر پروتستانی از دین در زندگی اجتماعی و فرهنگ عمومی^۱ گسترش

پیدا کرده بود، با فلسفه های روشنگری، عمیق ترین لایه های فرهنگ غرب را تسخیر کرد.

دنیابرایی رایج در سطح هنجارها، رفتارها و زندگی مردم، زمینه گسترش فلسفه های روشنگری

را فراهم آورد و فلسفه های روشنگری، سکولاریسم را از لایه های سطحی فرهنگ غرب به

لایه های عمیق آن تسری داد و فرهنگ معاصر غرب را پدید آورد. **چه عاملی زمینه ی گسترش فلسفه های روشنگری را فراهم کرد؟**

۱- دانش ها، تلقی ها، نگرش ها و رفتارهای مشترک در میان عموم مردم

مارتین لوتر

اهل آلمان

کشیش متجدد آلمانی

1483 - 1546

اواخر قرن 15 و اوایل قرن 16



ژان کالون

اهل فرانسه

اصلاح طلب مذهبی

1509 - 1564

قرن شانزده

■ ژان کالون و مارتین لوتر: اصلاح‌گران دینی که با تفاسیر پروتستانی از دین، در گسترش فرهنگ سکولار در فرهنگ عمومی غرب نقش داشتند.

گفت و گو کنید

در گذشته با تغییرات سطحی و عمیق در جهان اجتماعی و جهان فرهنگی آشنا شدید و آموختید که وقتی تغییرات از لایه‌های سطحی یک فرهنگ به لایه‌های عمیق و بنیادین آن برسند، هویت آن فرهنگ دچار تغییر می‌شود. (مثلاً یک فرهنگ دینی به یک فرهنگ دنیوی تبدیل می‌شود).
به کمک این دانسته‌ها دربارهٔ نقش فلسفه‌های روشنگری در شکل‌گیری فرهنگ معاصر غرب گفت و گو کنید.

آثار فرهنگ جدید غرب در زندگی اجتماعی

آثار فرهنگ جدید غرب به تدریج در زندگی اجتماعی مردم نمودار شد. یعنی از ریشه‌ها به تنه، شاخه‌ها و برگ‌ها رسید. عقاید و ارزش‌های بنیادین غرب آثار خود را از طریق هنر، دین و فلسفه‌های جدید به تدریج در عرصه‌های علم و فناوری و صنعت، اقتصاد، حقوق و سیاست آشکار کردند. این مسیر چگونه طی شد؟

فرهنگ جدید غرب چه تاثیری بر علم و فناوری و صنعت گذاشت؟

● **علم و فناوری و صنعت 1** علم جدید با رویکرد دنیوی خود، دیگر وظیفهٔ شناخت حقیقت عالم و مسئولیت عبور انسان را از ملک به ملکوت برعهده نداشت؛ بلکه **2** به تدریج به ابزار تسلط انسان بر طبیعت تبدیل شد و **از این جهت به دستاوردهای شگرفی نائل آمد.**

1- علم علاوه بر جنبه ملکی (تأمین دنیا و معاش) دارای جنبه ملکوتی است؛ یعنی، انسان را به سمت خدای جهان و کمال حقیقی فرا می‌خواند و وسیله‌ای است برای رساندن انسان به کمال که دنیا و آخرت او را آباد می‌سازد و وظیفه‌اش محدود به آباد کردن این دنیا و ملک نمی‌شود.

«وظیفه محققان و نظریه پردازان، جهان‌بینی است اولاً، جهان‌داری است ثانیاً و جهان‌آرایی است ثالثاً.» (آیت‌الله جوادی آملی)

در رویکرد جدید فرهنگ غرب، کدام علوم بیشترین اهمیت را پیدا کرد و رهاورد ان چه بود؟
 در رویکرد جدید، علوم تجربی در بین علوم مختلف بیشترین اهمیت را پیدا کرد. فناوری و صنعت، رهاورد این بخش از علوم بود. در قرن هجدهم، انقلاب صنعتی^۱ از انگلستان آغاز شد

و به تدریج در دیگر کشورهای اروپایی گسترش یافت. **در قرون وسطی، اقتصاد چه وضعیتی داشت؟**
 • **اقتصاد:** اقتصاد قرون وسطی بر مبنای کشاورزی و روابط اجتماعی ارباب - رعیتی بود. نظام ارباب - رعیتی در غرب که از آن با عنوان فئودالیسم یاد می‌شود، نوعی برده‌داری بود؛ زیرا کشاورزان، وابسته به زمین‌های اربابان خود بودند و امکان جابه‌جایی نداشتند. گسترش تجارت و به دنبال آن رشد صنعت، قشر جدید سرمایه‌داران را به وجود آورد؛ بدین ترتیب، اقتصاد کشاورزی فئودالی به اقتصاد صنعتی سرمایه‌داری متحول شد و روابط ارباب - رعیتی به روابط کارگران - سرمایه‌داران تغییر یافت.

فرهنگ جدید غرب چه تاثیری در اقتصاد گذاشت؟



■ انبوه کارگران در دوران انقلاب صنعتی انگلستان



■ یک تصویر چاپی از خانواده انگلیسی که در خانه، به سبک قبل از نظام کارخانه‌ای به دوختن لباس‌های نظامی برای ارتش اشتغال داشت.

در فرهنگ دینی، حقوق انسان مبتنی بر چیست؟

• **حقوق بشر:** در فرهنگ دینی، حقوق انسانی، مبتنی بر ربوبیت پروردگار^۲ و فطرت الهی انسان است.

چرا در دوران رنسانس به جای حقوق فطری الهی انسان، حقوق طبیعی بشر شکل گرفت؟
 (در قرون وسطی، رفتارهای دنیوی، توجیه دینی می‌شد. حرکت‌های اعتراض‌آمیز رنسانس، به جای بازگشت به سوی حقیقت الهی انسان، به رویگردانی از نگاه معنوی منجر شد. بدین ترتیب، به جای حقوق فطری الهی انسان، حقوق طبیعی بشر شکل گرفت.)
 (حقوق فطری الهی انسان، کدام ابعاد و نیازهای انسان را مورد توجه قرار می‌داد؟)
 (حقوق فطری الهی انسان، ابعاد و نیازهای معنوی و دنیوی انسان را مورد توجه قرار می‌داد و با

۱- انقلاب صنعتی، مجموع نوآوری‌های فنی و اقتصادی بود که در اواسط قرن هجدهم برای اولین بار در انگلستان پدید آمد. ماشینی شدن صنعت نساجی، پیشرفت‌های فنی و توسعه صنعت، مهار نیروی بخار، استقرار نظام کارخانه‌ای و... چهره جامعه انگلستان را از یک جامعه کشاورزی به یک جامعه صنعتی دگرگون کرد و سپس کشورهای دیگر اروپا و آمریکای شمالی را تحت تأثیر قرار داد.

۲- خداوند هم خالق انسان است و هم تدبیرکننده و هدایت‌کننده او. کسی که فقط خالقیت خداوند و نه ربوبیت او را پذیرفت، واضع حقوق و تکالیف را نیز غیر او و متعلق به خود انسان خواهد دانست.

دو ابزار وحی و عقل شناخته می‌شد ولی حقوق طبیعی بشر، با توجه به خواسته‌ها و نیازهای صرفاً طبیعی و این جهانی او شناخته می‌شود. **فرهنگ جدید غرب چه تاثیری بر سیاست داشت؟**

● **سیاست:** (متناسب با باورها و ارزش‌های بنیادین غرب (سکولاریسم، اومانیزم و روشنگری) یک نظام سیاسی کاملاً دنیوی شکل گرفت. چنین نظامی نه می‌توانست به دنبال حاکمیت ارزش‌های الهی باشد و نه می‌خواست عملکرد یا خطاهای دنیوی خود را توجیه دینی نماید.)

لیبرالیسم به چه معناست؟

لیبرالیسم اندیشه‌ی سیاسی جدیدی است که براساس اصالت بخشیدن به انسان دنیوی (اومانیزم) شکل می‌گیرد و خواست و اراده‌ی آدمی را مبدأ قانون‌گذاری می‌داند.

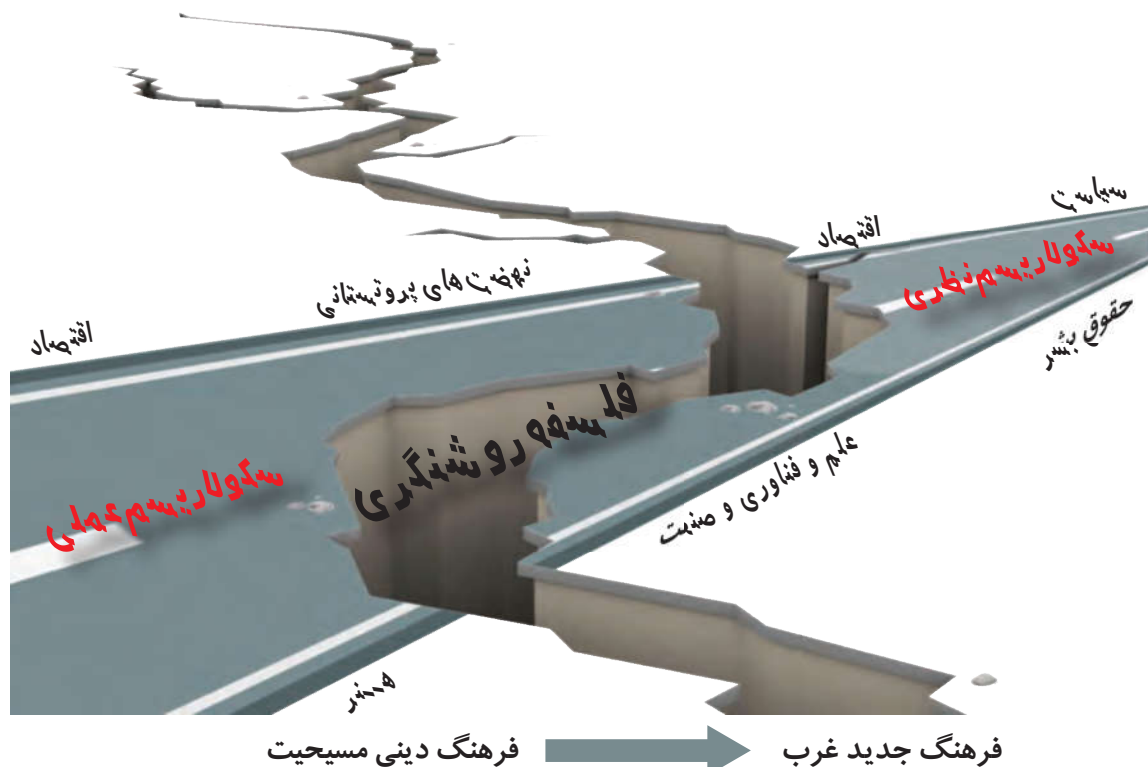
لیبرالیسم را جایز دانستن همه‌ی امور در قیاس با خواست انسان تعریف کرده‌اند. این به معنای آزادی انسان از همه‌ی ارزش‌های متعالی است که مستقل از او باشد. **ریشه‌های شکل‌گیری انقلاب فرانسه چه بود؟**

انقلاب فرانسه که **1** ریشه در دوران رنسانس و **2** اندیشه‌های فلسفی روشنگری **3** تغییرات اجتماعی مربوط به انقلاب صنعتی دارد، نخستین انقلاب لیبرال در جهان است. این انقلاب، الهام بخش انقلاب‌های دیگری شد که پس از چهار دهه، سراسر اروپا را فرا گرفت.

انقلاب فرانسه چه تاثیری در جهان گذاشت؟

گفت‌وگو کنید

تحولات فرهنگی - اجتماعی غرب در زمینه‌های دینی، فلسفی، صنعتی، سیاسی و ترتیب تاریخی آنها را بیان کنید.





اپلیکیشن درسی همیار

برنامه رایگان درسی همیار



تمام پایه ها

جواب کتاب ، تدریس و نمونه سوال



همیشه رایگان

برنامه همیار کاملا رایگان میباشد